

بررسی و تحلیل مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی در تولید و مصرف، براساس روایات اهل بیت (علیهم السلام)

ناهید حبیبی^۱، محمد دشتی^۲

چکیده

اقتصاد در تمدن نوین اسلامی، نه تنها ابزاری برای تأمین معیشت است، بلکه نقش کلیدی در ساختار انسانی و اجتماعی جامعه دارد. در پژوهش حاضر باهدف استخراج الگوی اقتصادی اسلامی برای تمدن نوین اسلامی، مؤلفه‌ها و اصول اقتصادی در دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) بررسی شد. روش پژوهش، تحلیل محتوای متون دینی شامل قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) است که با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی، مفاهیم و دستورالعمل‌های اقتصادی استخراج و طبقه‌بندی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اقتصادی در دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) در سه حوزه اصلی قابل دسته‌بندی است: نخست، مؤلفه‌های مختص عرصه تولید شامل اهمیت معیشت و اقتصاد، جایگاه جهادی کار و اشتغال، تأمین معیشت کارگر در دوران از کارافتادگی، تقسیم کار و تعیین وظایف، خودکفایی و تولید نیازمندی‌ها، اهمیت کشاورزی، اهتمام به حقوق کارگر و بهره‌گیری از تمام فرصت‌های کاری. دوم، مؤلفه‌های مختص عرصه مصرف شامل میانه‌روی در مصرف، پرهیز از اسراف، انفاق و نوع دوستی و اهمیت پس‌انداز. سوم، مؤلفه‌های مشترک در هر دو عرصه شامل ضرورت آینده‌نگری در برنامه‌ریزی و اجتناب از تولید و مصرف کالاهای مضر و حرام. نتیجه‌گیری این پژوهش نشان می‌دهد که اصول اقتصادی اهل بیت (علیهم السلام) جهانی، جاودانه و سازگار با تمدن نوین اسلامی است و می‌تواند به مثابه الگوی راهبردی در مدیریت تولید، مصرف و سیاست‌گذاری اقتصادی در جوامع اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، اقتصاد اسلامی، مؤلفه‌های اقتصادی از نظر اهل بیت (علیهم السلام)، تولید و اشتغال در اسلام.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹
۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ تمدن فرهنگ و ملل اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
Email: habibi.n309@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
(نویسنده مسئول)
Email: Dashti400@yahoo.com

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم ناهید حبیبی است که با حمایت معنوی معاونت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم تدوین گردیده است.

در عرصه تمدن پژوهی، تمدن اسلامی مقوله‌ای است که همواره میان اندیشمندان مورد بحث و گفت‌وگو بوده است و این نشان‌دهنده حیات و پویایی تمدن اسلامی است. از نظر سیر تاریخی، تمدن اسلامی گاه در قله تمدن بشری قرار داشته و زمانی دچار انحطاط بوده است. بی‌شک عوامل متعدد داخلی و خارجی در این افت و خیزها نقش داشته است که به دلیل محدودیت موضوع پژوهش حاضر، فرصت طرح آن در این مقال نیست.

نکته درخور توجه این است که در بُعد نظری، تمدن اسلامی غنی‌ترین سرمایه‌های نرم‌افزاری (معنوی و فرهنگی) جامعه بشری را در اختیار دارد که مؤلفه‌های تمدن‌ساز آن از سوی خدای متعال و توسط رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام در قالب آموزه‌های دینی در اختیار بشر قرار گرفته است. این آموزه‌ها از این نظر که نسخه نهایی و کامل برای زندگی انسان به‌شمار می‌آید و پاسخ‌گوی تمام نیازهای انسان از آغاز تا پایان زندگی است، ظرفیت سامان‌دهی متعالی‌ترین تمدن را دارد. مسئله مهم، استخراج و روزآمدسازی و کاربردی کردن این ظرفیت بی‌بدیل نرم‌افزاری از سوی اندیشمندان و بهره‌گیری از این نسخه جامع از سوی دولتمردان و مدیران جامعه اسلامی است. یکی از مؤلفه‌های مهم در هر تمدنی، اقتصاد و تأمین نیازهای معیشتی و رفاهی مردم است که دیگر ابعاد حیات و تمدن بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براین اساس، جای این پرسش است که اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام چه مؤلفه‌هایی را برای تأمین نیازهای اقتصادی جامعه ارائه کرده‌اند؟

بدیهی است که مباحث اقتصادی اسلام در آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام بسیار گسترده است؛ مباحثی همچون: مالکیت (خصوصی، عمومی و دولتی) و قلمرو آن، انواع مختلف عقود و ایقاعات مالی (از قبیل بیع و شراء و اجاره و وقف و نذورات و خیارات)، مباحث مهر و ارث، وصیت‌های مالی، دیات و کفارات مالی، خمس، زکات، غنایم، رهن، عاریه، مکاسب حلال و حرام، بیمه و غیره که هر کدام این مباحث پژوهش‌های مستقلی را می‌طلبد. پژوهش حاضر در صدد بررسی مباحث مزبور نیست بلکه در قالب یک مقاله، در صدد بررسی آن دسته از مؤلفه‌های اقتصادی در تمدن اسلامی و به‌ویژه در تمدن نوین اسلامی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام است که نظر به تأثیرات شگرف آنها در حیات اجتماعی و

اقتصادی جامعه اسلامی، می‌توان آنها را «مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی» معرفی کرد. همچنین در پژوهش حاضر مؤلفه‌های مورد اشاره فقط در عرصه تولید و مصرف مورد بررسی قرار گرفته و مؤلفه‌های اقتصادی در عرصه توزیع بررسی نشده است. لازم به توضیح است که دلیل و منطق قرار گرفتن یک مؤلفه به مثابه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها، تأثیرات عینی آن مؤلفه در حیات اقتصادی جامعه و نیز تأکید اهل بیت (علیهم‌السلام) - در جایگاه معادن علم و حکمت الهی - به‌ویژه لحن بیان ایشان درباره اهمیت یک موضوع اقتصادی است. گفتنی است که تعبیر «تمدن نوین اسلامی» و یا به تعبیر برخی پژوهشگران، «بازنمایی و استخراج تمدن اسلامی» نیز اشاره به این واقعیت دارد که تمدن اسلامی نمرده است، بلکه اسلام‌گرایان پس از چند قرن افول تمدن اسلامی، در پی نوسازی و خیزش دوباره آن هستند. (زمانی محبوب، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱؛ سلیمان پور و اکبری، ۱۳۹۴، ص ۱۶) اگرچه برخی از این موضوع تعبیر به «بازآفرینی تمدن اسلامی» می‌کنند (واسعی، ۱۳۹۴، ص ۶)، از این تعبیر معنای احیای مجدد تمدن اسلامی پس از مرگ آن برداشت می‌شود. به‌هرحال، تمدن نوین اسلامی، در مبانی و اصول و در مهم‌ترین مؤلفه‌ها تفاوتی با تمدن اسلامی ندارد؛ وگرنه، تعبیر تمدن نوین اسلامی بی‌معنی و نامناسب خواهد بود.

۲. پیشینه پژوهش

طی دهه‌های اخیر، پژوهش‌های ارزشمندی درباره اقتصاد اسلامی و تمدن نوین اسلامی با رویکرد نواندیشانه انجام شده است. از جمله مقالات پیش‌گفته و مقاله آرناسون و استاوس (۲۰۰۴ م) با عنوان «تشکیل تمدن و دولت در یک فضای اسلامی: بازخوانی ابن خلدون»، مقاله «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» از فاطمه جان‌احمدی (۱۳۹۶)، کتاب *اقتصاد ما* از سید محمد باقر صدر و کتاب *اقتصاد اسلامی* از آیت‌الله حسین مظاهری. در این آثار، بحث مؤلفه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی براساس سیره و سخن اهل بیت (علیهم‌السلام) بیان نشده است. در سال‌های اخیر، آثاری در رابطه با بیانات ائمه (علیهم‌السلام) درباره مباحث اقتصادی، به‌ویژه نظر امام علی (علیه‌السلام) در این مورد مشاهده شده است که می‌توان به مطالعات ذیل اشاره کرد: - کتاب *نظام اقتصادی علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)* اثر احمد علی یوسفی (۱۳۸۶). در این اثر پژوهشی، که می‌توان آن را در زمره نرم‌افزارهای اقتصادی مورد نیاز برای

ایجاد تمدن نوین اسلامی برشمرد، مباحث ارزشمندی درباره نظام اقتصاد علوی از جمله ذیل «مبانی نظام اقتصاد علوی» مطرح شده است. مواردی همچون خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سنت‌های الهی حاکم بر جوامع، تقدیر رزق و روزی، جایگاه توکل در اقتصاد، و رابطه دنیا و آخرت.

- کتاب درآمدی بر سیره اهل بیت (علیهم السلام) اثر حسین عبدالمحمّدی (۱۴۰۲): در این اثر پژوهشی که رویکرد ارائه نرم‌افزار برای تمدن نوین اسلامی ندارد، مؤلف محترم در فصل چهارم کتاب (ص ۲۵۹-۲۷۷) با عنوان «اصول برجسته در سیره اقتصادی اهل بیت (علیهم السلام)»، مواردی از اصول سیره اقتصادی اهل بیت (علیهم السلام) نظیر اهتمام به کار و کوشش، رعایت احکام شرعی (ناظر به توزیع و خرید و فروش)، دوری از تجمل و اشرافیت، اعتدال در فعالیت‌های اقتصادی (جمع دنیا و آخرت)، انفاق و احسان، و مبارزه با فساد اقتصادی (ناظر به توزیع و مبادله) را مورد بررسی قرار داده است.

- کتاب سیره معصومان (علیهم السلام) در کتاب‌های چهارگانه شیعه اثر علی اکبر ذاکری (۱۳۹۸): این اثر پژوهشی، بر خلاف مقاله حاضر، رویکرد تعیین مؤلفه‌های اقتصادی مهم و اصلی در ایجاد تمدن نوین اسلامی ندارد. علاوه بر این، نگاه جزئی‌نگرانه و تمرکز بر مؤلفه‌های عرصه تولید و مصرف که ناظر به علم اقتصاد نوین است، از دیگر امتیازات مقاله حاضر است.

- کتاب شاخص‌های اقتصادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اثر سید محمد کاظم رجایی و همکاران (۱۳۹۴): این اثر پژوهشی به وضوح در پی ارائه نرم‌افزار اقتصادی برای نیل به پیشرفت در فرایند ایجاد تمدن نوین ایرانی - اسلامی است. ضمن اینکه مطالب ارزشمندی در زمینه مباحثی همچون شاخص‌های پیشرفت، عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن، بازار اسلامی و بانکداری اسلامی دارد، آنچه از مباحث این اثر پژوهشی با مباحث مقاله پیش رو هم‌پوشانی دارد، موضوع «معیارهای فقهی اسراف» (ص ۲۴۳-۲۶۵) است.

- کتاب مفاتیح‌الحیاه اثر آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (۱۳۹۱): در این اثر ارزشمند و بی‌نظیر، مباحث مهمی در زمینه حیات اقتصادی با تکیه بر آیات و روایات اهل بیت (علیهم السلام) مطرح شده است، مباحثی همچون اهمیت کار و تلاش، پرهیز از تنبلی، آداب غذاخوردن (مصرف)، آداب پوشش (مصرف)، آداب زینت و آرایش (مصرف)، فضیلت کشاورزی و

دامداری (تولید)، و تجارت (توزیع). با این وجود، گزینش و ارائه مجموعه‌ای کم و بیش جامع از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی در عرصه تولید و مصرف براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام و با رویکرد تولید نرم‌افزار برای تمدن نوین اسلامی، از نوآوری‌های مقاله حاضر است. بنابراین، تاکنون پژوهشی جامع برای تبیین و ارائه مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی درباره تولید و مصرف، براساس سخنان معصومین علیهم‌السلام، انجام نشده و این بحث به مثابه بحثی توسعه‌ای و کاربردی، از نوآوری لازم برخوردار است.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. مفهوم‌شناسی مؤلفه‌های اقتصادی

منظور از مؤلفه در این پژوهش، اجزای تشکیل‌دهنده یک کل است. به عبارت دیگر، اگر تمدن اسلامی متشکل از اجزاء مختلف و منسجم در نظر گرفته شود، مؤلفه‌ها اجزایی هستند که هر کدام در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش اساسی دارند و مجموع این اجزا از انسجام برخوردارند و مکمل یکدیگر به شمار می‌آیند؛ واژه اقتصادی، وصف مؤلفه است. اقتصاد در زبان فارسی به معنی میانه‌روی و ایجاد تعادل در دخل و خرج است. (عمید، ۱۳۶۳، ۲۰۶/۱) در اصطلاح، تعریف‌های متعددی برای واژه اقتصاد ارائه شده است. تعریفی که غالب اقتصاددانان بر آن اتفاق نظر دارند، چنین است: «مطالعه روش‌های استفاده از منابع کمیاب جامعه به منظور تولید کالاها و خدمات با ارزش و توزیع بین افراد جامعه به منظور تأمین هرچه بیشتر و بهتر خواسته‌ها و نیازهای نامحدود آنان» (سالواتوره، ۱۳۹۹، ص ۷؛ نخعی اغمیونی، نجارزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲). مؤلفه اقتصادی در پژوهش حاضر، مفهومی عام است که به هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده اقتصاد به مفهوم مصطلح آن مربوط می‌شود.

سخنی از مقام معظم رهبری علیه‌السلام درباره مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نیز می‌تواند به فهم روشن‌تر این اصطلاح کمک کند. آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌فرماید: «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه، ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).



۳-۲. مفهوم‌شناسی تمدن و تمدن نوین اسلامی

از نظر لغوی، تمدن واژه‌ای عربی از باب «تفعل» و مشتق از مدینه (شهر) است و تمدن به معنی شهرنشینی و تخلق به اخلاق شهرنشینان است. (ابن منظور، ۱۹۹۳، ۲۱۵/۳؛ ابن منظور، ۱۹۹۳، ۵۵/۱۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۱۸۴ و ۷۵۸؛ میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳؛ جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۶، ص ۷۵۲؛ آذرنوش، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷ و ۶۴۱) این واژه در اصطلاح تمدن‌پژوهان معاصر به‌گونه‌های مختلفی تعریف شده است؛ برخی تمدن را به معنی شیوه زندگی اجتماعی در شهر تعریف کرده‌اند (داعی الاسلام، بی‌تا، ص ۳۰۳)، برخی دیگر گفته‌اند: «تمدن به معنای مجموعه اندوخته‌های مادی و معنوی انسان اجتماعی است که در جامعه تبلور یافته است» (جمعی از مؤلفان، ۱۳۹۱، ص ۴۰۴). برخی از محققان نیز نوشته‌اند: «می‌توان تمدن را جامعه‌ای دانست که میزان قابل توجهی از انباشتگی و تراکم دستاوردها و تجربه‌های مادی و معنوی را کسب کرده است» (فاضل، ۱۳۹۴، ص ۳۸). بینش (بینش، ۱۳۸۸، ص ۱۸) تعریفی را آورده که قدری با دیگر تعریف‌ها متفاوت است: «تمدن عبارت است از: تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتوانند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر و به‌منزله اعضای یک خانواده کامل زندگی کنند».

با بررسی و جمع‌بندی تعریف‌های فوق، تمدن را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی حیات اجتماعی بشر که نقشی در نظم‌بخشیدن به حیات اجتماعی او، پیشرفت سطح زندگی و شکوفایی استعدادهای وی داشته است».

وصف «نوین» در عنوان مقاله، اشاره به نوآوری‌های بایسته در تمدن جدید دارد، نوآوری‌هایی از قبیل اجتناب از کاستی‌ها و ضعف‌های تمدن اسلامی پیشین و همگامی تمدن اسلامی جدید با مقتضیات جهان معاصر و نیازهای روزآمد جامعه. براین اساس، تمدن نوین اسلامی، در عین حال که بر اصولی ثابت و ریشه‌دار در سنت کهن اسلامی مبتنی است، در مجموع الگوی جدیدی از تمدن اسلامی را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رقم می‌زند (ملایی، ۱۳۱۱؛ تقی‌نیا، ۱۳۱۳؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

۳-۳. مفهوم‌شناسی اهل بیت علیهم‌السلام

اهل‌الرجل در لغت، گاه به معنی «همسر و فرزندان وی» (فراهیدی، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۶۲) و گاه به معنی «عشیره و خاندان او» و گاه به معنی «ساکنان خانه او» (راغب اصفهانی، بی‌تا/۲۵) است و اهل بیت علیهم‌السلام الرجل به معنی «ساکنان خانه او» است (فراهیدی، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۶۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۳ ه.ق،

۲۵۳/۱؛ طریحی، ۱۳۹۵ هـ.ق، ۳۱۴/۵) که شامل همسر و فرزندان و نیز مرد خانه می‌شود.

واژه مرکب «اهل بیت پیامبر ﷺ» یک مفهوم اصطلاحی حدیثی و قرآنی نیز دارد؛ این عبارت به اختصار، «اهل بیت ﷺ» گفته می‌شود. براساس آیه تطهیر (ر.ک.، احزاب، ۳۳)، روایات مربوط به شأن نزول این آیه شریفه و نیز حدیث ثقلین، تنها راه نجات از گمراهی امت تا روز قیامت، اهل بیت ﷺ معرفی شده‌اند (ترمذی، بی تا، ۶۲۲/۵، حدیث ۳۷۸۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۱). منظور از اهل بیت ﷺ به مثابه یک کاربرد اصطلاحی قرآنی و حدیثی، چهارده معصوم ﷺ می‌باشند که همین معنی در پژوهش حاضر مورد نظر است.

۴. مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی تمدن نوین اسلامی در تولید از منظر اهل بیت ﷺ

در پژوهش حاضر، مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی در چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی در زمینه تولید و مصرف از منظر اهل بیت ﷺ است بررسی شده است؛ مؤلفه‌هایی که سمت و سو و چهارچوب کلی نظام اقتصادی اسلام در ارتباط با تولید و مصرف را از منظر اهل بیت ﷺ به تصویر می‌کشد. معیار و منطق‌گزینش یک مؤلفه باعنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه، لحن بیان معصومین ﷺ در تشویق به یک‌کنش اقتصادی است؛ چنان‌که همین معیار و منطق در رتبه‌بندی سایر معارف و کنش‌های دینی از منظر مکتب اهل بیت ﷺ به مثابه یک سنجه مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴-۱. اهمیت معیشت و اقتصاد از نگاه اهل بیت ﷺ

نخستین مؤلفه راهبردی در نظام اقتصادی، به‌ویژه در نظام اقتصادی مبتنی بر دین و سنت، نوع نگاه به مقوله اقتصاد و معیشت و زندگی مادی و دنیوی است؛ به‌ویژه اینکه در فرهنگ‌های دینی، تکیه اصلی بر دعوت بشر به ماوراء الطبیعه و حیات جاوید اخروی است. در برخی فرهنگ‌های سنتی و دینی نظیر مسیحیت، هندوئیسم و بودیسم، گرایش پیرنگی به دنیاگریزی و رهبانیت وجود دارد. بنابراین، نوع نگاه به اقتصاد و فعالیت اقتصادی، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه در هر نظام اقتصادی است.

اول (صبغه عبادی و معنوی فعالیت اقتصادی؛ در بیان اهمیت فعالیت اقتصادی و جایگاه معنوی آن از منظر اهل بیت ﷺ، سخن والایی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ روایت



شده است که می‌فرماید: «عبادت ده جزء است، نه جزء آن طلب روزی حلال است» (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۷/۷۴) و یا در سخنی دیگر فرمود: «لارهبانیه فی الاسلام؛ در اسلام دنیاگریزی و انزوا وجود ندارد» (نوری، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۱۴/۱۵۵). همچنین ایشان می‌فرمود: «غنا و ثروت یار و مددکار خوبی در مسیر پرهیزگاری است» (کلینی، ۱۳۶۵، ۷۱/۵).

فرمایشات ائمه (علیهم السلام) نیز هم‌راستا با توصیه‌های اقتصادی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مال و ثروت یار و مددکار خوبی در مسیر تقوای الهی است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۲۷/۱۹). امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده است: «دنیا یار و مددکار خوبی است برای کسب آخرت» (کلینی، ۱۳۶۵، ۷۲/۵). بنابراین، در نگاه اهل بیت (علیهم السلام) معیشت و فعالیت اقتصادی آنگاه که با رعایت موازین اسلامی باشد، جدا از کار اخروی و عبادی نیست.

دوم) تقارن ضعف اقتصادی و ضعف ایمان: از برخی سخنان اهل بیت (علیهم السلام) و برخی فرازهای قرآن کریم چنین برمی‌آید که اقتصاد و مال و ثروت و هرگونه نعمت مادی، مایه استواری جامعه و به مثابه ستون فقرات جامعه دینی است و افراد و گروه‌های فقیر در معرض آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. به بیان دیگر، جامعه فقیر قوام و مقاومت ندارد و در معرض سقوط همه جانبه و انحراف به دامن کفر است. در این زمینه، این سخن هشداردهنده از پیامبر اکرم و ائمه (علیهم السلام) نقل شده است: «کاد الفقر أن یكون کفراً؛ فقر بسیار به کفر نزدیک است» (کلینی، ۱۳۶۵، ۳۰۷/۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۵/۳۶۵).

قرآن کریم نیز مال و ثروت را مایه و پایه قوام و قیام انسان‌ها دانسته و می‌فرماید: «و لا تؤتوا السفهاء أموالکم التي جعل الله لکم قیاماً...؛ اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده است، به دست سفیهان نسپارید...» (نساء: ۵). این تعبیر قاطع قرآن کریم، از تأثیر مال و ثروت در حیات و پایداری فرد و جامعه حکایت دارد و بیانگر این حقیقت است که با نابودی اقتصاد، جامعه در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، بنیه مالی و اقتصادی به منزله خون در عروق جامعه است و نباید در آن تصرفات ناصواب و نابجا انجام داد و آن را در اختیار سفیهان و بی‌خردان قرار داد تا به صورت مسرفانه و نسنجیده در آن تصرف کنند. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، این آیه هم اموال را به عموم جامعه نسبت داده، هم آن را سبب قیام دانسته، هم از قرارداد آن در اختیار سفیه مانند کودک نابالغ یا بالغ بی‌خرد،

نهی فرموده است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص ۴۸).

سوم) بی‌شغلی زمینه دین‌فروشی: تشویق به تلاش برای تأمین مخارج زندگی اهل و عیال که در سخن اهل بیت علیهم‌السلام آمده، متناسب با سطح فهم مردم آن زمان و برای اثرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطب ارائه شده است؛ اما اهل بیت علیهم‌السلام نقش کار و تلاش را به حدی مهم و اساسی می‌دیدند که فقدان آن، از نظر ایشان می‌توانست اساس دین انسان را به مخاطره اندازد. چنانکه در این باره نقل شده است که هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد مردی سؤال می‌کرد که چه «شغل و حرفه‌ای» دارد؟ و پاسخ می‌دادند که شغلی ندارد، می‌فرمود: «از چشمم افتاد». به آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرض می‌شد، چگونه شخصیت این مرد در نظر شما تنزل کرد؟ می‌فرمود: «آنگاه که مؤمنی دارای شغل و حرفه‌ای نباشد، برای تأمین مخارج زندگی خود، دینش را می‌فروشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص ۴۸).

در مذمت بیکاری و بی‌شغلی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام، امام کاظم علیه‌السلام فرموده است: «خداوند غضبناک است نسبت به بنده‌ای که پر خواب و بیکار است» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۶۹/۳). امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرمود: «بر حذر باشید از تنبلی و بی‌حوصلگی؛ چراکه این دو خصلت کلید هر بدی است» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۶۹/۳) و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فرموده است: «از رحمت خدا به دور است کسی که در تأمین نیازهای اهل و عیال خود کوتاهی کند» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۶۸/۳).

۴-۲. جایگاه جهادی کار و اشتغال

کار و کوشش در واقع سنگ بنای رشد و بالندگی و تداوم حیات سالم جامعه است؛ رشد تعاملات اجتماعی و پیشرفت جامعه، در وجود کار و تلاش نهفته است و حرکت و تکاپوی مداوم لازمه حیات انسان در حال رشد و سالم می‌باشد. در اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نیز اهمیت کار مضاعف و اهداف آن بسیار والا دیده شده است؛ زیرا در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام فقط از جنبه دنیوی و مادی به کار نگریسته نشده است، بلکه تلفیقی زیبا از تأمین نیاز مادی و آثار معنوی در مقوله کار و تلاش در مکتب ایشان دیده می‌شود. در فرهنگ اسلام، واژه «جهاد»، بسیار مقدس است و هرگاه سخن از جهاد به میان می‌آید، نشان از عملی است که ارزش و کارکرد فوق‌العاده دنیوی و اخروی دارد. با توجه جایگاه جهاد در اسلام، امام صادق علیه‌السلام کار و تلاش برای تأمین نیازهای زندگی را همسان جهاد در راه خدا دانسته و فرموده است: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ تلاشگر برای معاش خانواده همانند جهادکننده



در راه خداست» (کلینی، ۱۳۶۵، ۸۸/۵) و در نقل دیگری قید «من حلال؛ از راه حلال» افزوده شده است (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۶۸/۳). رسول خدا ﷺ نیز می فرمود: «کسی که از دسترنج خود ارتزاق کند، در روز قیامت در شمار انبیا ﷺ قرار می گیرد و پاداشی مانند انبیا خواهد داشت» (شعیری، ۱۳۶۳، ص ۱۳۹).

۴-۳. ضرورت بهره گیری از تمام فرصت های کاری

اهل بیت ﷺ همچنین بر تلاش مجدّانه و استفاده از تمام فرصت روز برای کار و تلاش و کسب روزی حلال و هدر ندادن ساعات کار، تأکید داشتند؛ امام صادق ﷺ می فرمود: «به خدا سوگند! که امر نمی کنم شما را مگر به آنچه ما خود را به آن امر می کنیم؛ پس بر شما باد جدّیت و نهایت تلاش و اینکه چون نماز صبح را خواندید، بی فوت وقت و صبح زود در پی کسب روزی حلال بروید! مطمئناً خداوند به شما روزی دهد و شما را کمک نماید» (کلینی، ۱۳۶۵، ۷۹/۵، حرّاملی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۲۲/۱۷). امام صادق ﷺ در سخنی دیگر فرمود: «اگر اطمینان یافتی یا خبر به تو رسید که اجلت یا امر فرج ما فردا خواهد بود، کار و تلاش برای کسب روزی را رها نکن!» (حرّاملی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۲۶/۱۷). این بیان، تأکید بر ضرورت بهره گیری از تمام فرصت برای کار و تلاش است.

۴-۴. اهمیت خودکفایی و تولید نیازمندی های مردم

یکی دیگر از مؤلفه های مهم و راهبردی در هر تمدنی، مسئله کار مولّد و استفاده حداکثری از ظرفیت های موجود برای تولید نیازمندی های جامعه، به ویژه کالاهای اساسی مورد نیاز است؛ زیرا نیازهای اقتصادی جامعه ابعاد دیگر حیات اجتماعی، از جمله استقلال سیاسی و فرهنگی آن جامعه را نیز در معرض خطر و آسیب قرار می دهد.

اهمیت کار مولّد و ضرورت تولید کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه در سخنان و سفارشات اهل بیت ﷺ نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته است؛ بی شک مواد غذایی اساسی ترین نیاز هر جامعه است و تولید آن با کار کشاورزی، باغ داری و دامداری مهم ترین سنگ بنا و اساسی ترین مؤلفه هر تمدنی به شمار می آید. در روایتی، رسول خدا ﷺ نقش کلیدی غذا را در شئونات زندگی چنین بیان می کند: «بار خدایا! به نان ما برکت عنایت فرما و فاصله ای میان ما و آن ایجاد نفرما! اگر نان نباشد، نمی توانیم روزه بگیریم، نمی توانیم نماز بخوانیم و نمی توانیم واجبات الهی را جای آوریم» (کلینی، ۱۳۶۵، ۵۸۶/۲). توجه به کشاورزی و تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در سیره و سخن دیگر معصومین ﷺ نیز نمود خاصی دارد و توصیه ها

و تمجیدهای اهل بیت علیهم السلام در این زمینه فراوان و اعجاب انگیز است؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «امیر مؤمنان علیه السلام همیشه کشاورزان را به عمال و کارمندان شان سفارش می نمود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۱۶/۱۳). همچنین آن حضرت علیه السلام زراعت را بزرگ ترین گوهر نایاب دانسته است (ر.ک.، قمی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۵۵۶/۷).

در روایتی زیبا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارزش والای کار تولیدی زنان در داخل منازل و در فضایی توأم با پاکی و تقوا و طهارت را بیان داشته و ارزش معنوی آن را برابر با تولید کالای فرهنگی (نگارش کتاب) و هم تراز با جهاد مردان در راه خدا دانسته، می فرماید: «ثلاثة تحرق الحجب و تنتهی الی ما بین یدی الله: صریر أقلام العلماء و وطنی اقدام المجاهدین و صوت مغازل المحصنات؛ سه چیز است که همه پرده ها و موانع را می درد و به پیشگاه خداوند می رسد: صدای قلم دانشمندان، صدای گام های مجاهدان و صدای چرخ های ریسندگی زنان پاکدامن» (بحرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۲). اگر به این سخن گهربار نبوی با دیدی نمادین بنگریم، مفاد این روایت چنین است که جامعه و تمدنی رو به پیشرفت است که هم زمان هم کار فرهنگی کند، هم کار امنیتی و هم کار اقتصادی. در این بین، نمی توان از اشاره ظریف پیامبر صلی الله علیه و آله به تقدم کار فرهنگی نسبت به کار امنیتی و کار اقتصادی گذشت؛ زیرا کار فرهنگی بنیان و زیرساخت دو کار دیگر است.

۴-۵. تقسیم کار و تعیین وظایف

از نظر اهل بیت علیهم السلام تقسیم کار و تعیین وظایف هر فرد براساس شایستگی و توانایی او، یکی از رموز پیشرفت کارها و امکان ارزیابی کیفیت عمل هر مسئول یا کارگر است؛ زیرا مدیر با تقسیم کار می تواند به اصل کنترل و نظارت مبادرت کند و بدون تقسیم کار این امر معطل می ماند. امام علی علیه السلام در فرازی از نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «واجعل لراس کل امر من امورک راسا منهم لایقهره کبیرها و لایتشت علیہ کثیرها؛ ای مالک! باید برای هر کدام از کارهایت یک رئیس انتخاب کنی، رئیسی که کارهای مهم او را مغلوب نسازد و کثرت کارها او را پریشان و خسته نکند» (سید رضی، ۱۳۶۹، نامه ۵۳). امام علیه السلام همچنین در وصیت به امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «واجعل لکل انسان من خدمتک عملا تاخذه به فانه احری ان لایتواکلوا فی خدمتک؛ فرزندم! برای هریک از زیردستانت کاری تعیین کن تا اگر آن را انجام نداد، او را مؤاخذه و بازپرسی کنی؛ زیرا این روش سزاوارتر است تا کار را به یکدیگر واگذار نکنند» (سید رضی، ۱۳۶۹، نامه ۳۱).

۴-۶. جایگاه ویژه کشاورزی

اول) اهمیت ویژه کشاورزی در میان کارهای تولیدی: کشاورزی از منظر اهل بیت علیهم السلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛ امام صادق علیه السلام کشاورزان را گنج‌های خداوند در روی زمین خوانده و می‌افزاید: «در میان کارها (شغل‌ها) کاری محبوب‌تر از زراعت نزد خداوند نیست و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده است مگر اینکه او اهل زراعت و کار کشاورزی بوده الا جناب ادریس علیه السلام که شغل وی خیاطی بوده است» (طوسی، ۱۳۶۵ هـ.ق، ۶/۳۸۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۷/۴۱). در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام هم به ارزش مادی و خدمت ارزنده و بی‌نظیر کشاورزان نسبت به افراد جامعه و هم بر جایگاه معنوی و ارزش اخروی کار تولیدی در زمینه کشاورزی اشاره نموده و می‌فرماید: «کشاورزان گنج‌های خلق هستند؛ آنان چیز طیب و نیکی را می‌کارند و خداوند آن را می‌رویاند؛ ایشان در روز قیامت از بهترین و مقرب‌ترین جایگاه برخوردار هستند و با عنوان افراد مبارک و پر برکت شناخته می‌شوند» (کلینی، ۱۳۶۵، ۲۶۱/۵).

در گزارشی تاریخی، ضمن اشاره به اشتغال امام کاظم علیه السلام به کار کشاورزی آمده است که یکی از اصحاب امام، علی بن ابی حمزه، مشاهده کرد که آن حضرت با چنان تلاش و کوششی بر روی زمین خود کار می‌کرد که حتی پاهای مبارکش خیس عرق شده بود؛ علی بن ابی حمزه پیش رفت و از سر دلسوزی به حضرت عرض کرد: «قربانت گردم! کومردان [که آنان این قبیل کارها را انجام دهند]؟» امام کاظم علیه السلام فرمود: «ای علی! کسانی که از من و پدرم بهتر بودند نیز با دست خود در روی زمینشان کار کردند». علی پرسید: «منظورتان کیانند؟» حضرت فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام و پدرانم همگی با دست خود کار زراعت را انجام می‌دادند و این، کار همه انبیا و مرسلین و اوصیا و صالحان است» (کلینی، ۱۳۶۵ هـ.ق، ۵/۷۵؛ صدوق، ۱۳۶۴، ۳/۱۵۳؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۳/۲۰۰). در گزارشی دیگر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام در حالی که لباسی خشن بر تن و بیل در دست داشت، در بستان خود چنان کار می‌کرد که عرق از بدن حضرت جاری بود. یکی از اصحاب حضرت که ایشان را با آن حال دید، عرض کرد: «فدایت شوم! بیل را به من بسپار تا من به جای شما کار کنم.» حضرت فرمود: «دوست دارم که مرد در جست‌وجوی روزی، حرارت آفتاب را بجشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ۵/۷۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۷/۳۹).

دوم) بوسه پیامبر صلی الله علیه و آله بر دست کشاورز: شاید بتوان گفت عالی‌ترین گونه ارج نهادن

به کار مولد را می‌توان در رفتار و سخن پیامبر ﷺ با سعد انصاری مشاهده کرد؛ هنگامی که پیامبر از غزه تبوک بازگشت، سعد به استقبال پیامبر ﷺ شتافت و پیامبر ﷺ با وی مصافحه کرد و آنگاه خطاب به سعد فرمود: «چه چیزی این‌گونه دست را آسیب زده و زبر و خشن کرده؟»؛ سعد پاسخ داد: «من با بیل و طناب کار می‌کنم و نفقه عیالم را تأمین می‌کنم». حضرت دست سعد را بوسید و آنگاه فرمود: «این دستی است که آتش جهنم آن را نمی‌سوزاند» (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲/۴۰۲). بدیهی است که دو ابزار بیل و طناب اشاره به کار کشاورزی دارد که کشاورزان حجاز به تناسب شرایط اقلیمی منطقه، با طناب و دلو از چاه آب می‌کشیدند و با بیل به کار و کوشش در زمین و آبیاری آن می‌پرداختند. این نوع کار و اشتغال به ویژه در هوای داغ تابستان حجاز، در مقایسه با کار تجاری، کاری بسیار ارزشمند، مولد و در عین حال سخت و طاقت‌فرسا بود. پیامبر ﷺ با عمل و سخن خود از سعد تقدیر کرد و او را به کار خود دلگرم ساخته و تشویق نمود.

بی‌تردید تأکید فراوان ائمه علیهم‌السلام بر مسئله تولید و کشاورزی بدین دلیل بوده است که ادامه حیات و زندگی هر انسانی به تغذیه وابسته است و تغذیه نیز در گرو کار کشاورزی است. در نتیجه، نه فقط زندگی فردی هر شخص، بلکه زندگی اجتماع و یک ملت نیز به تولید محصولات کشاورزی آن جامعه وابسته است. هر جامعه‌ای که بخواهد مستقل و آزاد زندگی کند و سرنوشت خود را با دست خود رقم بزند، باید در کشاورزی استقلال داشته و بتواند محصولات مورد نیاز خود را تولید کند. بنابراین، عزت و استقلال هر ملتی در گرو خودکفایی در محصولات کشاورزی و نیز در عموم نیازمندی‌های ضروری هر عصری است. این نکته اساسی در بیان امام کاظم علیهما السلام چنین نمود یافته است: «از مردم قطع امید کردن و از ثروتشان چشم‌پوشیدن و به درآمد کار خود قانع بودن برای مرد با ایمان، مایه عزت دینی و روح جوانمردی و شرف دنیوی است. چنین انسانی در نظر مردم بزرگ و بین فامیل و خویشاوندان خود محترم و در محیط خانواده‌اش دارای عظمت و هیبت و منزلت خواهد بود، او در ضمیر خود و در نظر دیگران بی‌نیازترین تمام مردم است» (قمی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲/۳۲۷).

۴-۷. اهتمام به حقوق کارگر

در تولید هر محصول و حتی در فعالیت‌های خدماتی، فراهم بودن دو عامل یعنی، سرمایه و

کار، نقش اساسی دارد. بخش مهمی از بازار کار در هر جامعه، چه در کارهای تولیدی و چه در کارهای خدماتی، کارگران. در این فرایند، کارگر خدمتی را در برابر اجرتی نسبی به کارفرما ارائه می‌کند. شکی نیست که در هر کاری، به‌ویژه در کارهای سخت، یدی و تولیدی، رعایت حقوق کارگر و جلب رضایت وی، به‌ویژه پرداخت به موقع حقوق و اجرت، نقش مهمی در تداوم این حرکت سازنده دارد. در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بر رعایت حقوق و آسایش کارگران سفارش شده است و حتی برخی زوایای ظریف روابط کارگر و کارفرما نیز آسیب‌شناسی شده و راهکارهای لازم ارائه گردیده است. یکی از دغدغه‌های کارگران، پرداخت به موقع اجرت ایشان است؛ اگر دستمزد آنان به موقع پرداخت شود، با توان بیشتری کار خواهند کرد. در این زمینه، اهل بیت (علیهم السلام) بر پرداخت به موقع اجرت تأکید دارند؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «اجرت کارگران را پیش از آنکه عرقشان خشک شود، بپردازید!» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۹/۱۰۶).

اهل بیت (علیهم السلام) همچنین پرداختن اجرت کارگر را گناهی بزرگ دانسته‌اند که موجب حبط اعمال نیک انسان می‌شود. در این باره، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که در مورد اجرت کارگر به وی ظلم کند، خداوند اعمال نیک وی را حبط و نابود و بوی بهشت را درحالی که از فاصله مسیر پانصد ساله به مشام می‌رسد، بر وی حرام می‌کند» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴/۱۱-۱۲). اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به هر اقدامی که موجب بروز تنش و نارضایتی کارگران شود نیز هشدار داده‌اند و ضرورت اجتناب از هرگونه اقدامات یا سهل‌انگاری در این زمینه را گوشزد کرده‌اند. سلیمان بن جعفر جعفری نقل می‌کند که همراه علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بودم و وارد جمعی از غلامان حضرت شدیم که مشغول گل‌کاری بودند. در میان آنها غلام سیاه‌پوستی بود که جزو غلامان حضرت نبود، اما کار می‌کرد؛ حضرت پرسید: «آیا مبلغ اجرتش را طی کرده‌اید؟» گفتند: «نه، هر مبلغی به او بدهیم راضی است». امام (علیه السلام) ناراحت شد و فرمود: «بارها از این نحو استخدام اجیر آنان را نهی کرده‌ام؛ بدان که هرگاه کارگر بدون طی کردن اجرتش برای کار کند و سپس چند برابر اجرتش به وی بدهی، او همچنان گمان می‌کند که حقش را نداده‌ای و ناراضی است، اما اگر اجرتش را طی کنی، در آن صورت با پرداخت همان مبلغ، سپاسگزار تو خواهد بود و چنان‌چه اندکی بیش از اجرتش به وی بپردازی، قدر آن را خواهد دانست» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴/۱۰۴). پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز از اینکه کارگری پیش از تعیین مبلغ اجرت خود مشغول کار شود، نهی فرموده است (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴/۱۰۵).

۴-۸. ضرورت تأمین معیشت کارگر در دوران از کارافتادگی

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، نیروی کار در کنار سرمایه، یکی از دو رکن تولید و سنگ بنای هر تمدنی است؛ و یکی از دغدغه‌های تشویش‌آفرین برای کارگران، نگرانی از وضعیت معاش و زندگی ایشان در دوران ضعف و پیری است. تأمین نشاط و امید کارگر نسبت به وضعیت خود، به ویژه در دوران از کارافتادگی، نقش زیادی در تلاش همه‌جانبه و مخلصانه او دارد. امروزه این نگرانی، با برنامه‌های بیمه و تأمین اجتماعی توسط کارفرمایان و دولت‌ها برطرف می‌شود. جالب آنکه اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به این نگرانی موضع گرفته و تأمین نیاز کارگران را حتی اگر مسلمان نبوده و اهل ذمه باشند، از محل بیت‌المال مسلمانان لازم دانسته‌اند. امام علی علیه‌السلام به همراه جمعی بر مرد نابینایی گذشت که تکدی می‌کرد. امام از همراهان پرسید: «این مرد کیست؟» گفتند: «یا امیرالمؤمنین! او مردی نصرانی است». امام علیه‌السلام فرمود: «از او کار کشیدید و اکنون که او پیر و از کارافتاده است او را حمایت نمی‌کنید؟ او را از بیت‌المال مسلمانان تأمین کنید!» (طوسی، ۱۳۶۵ هـ.ق، ص ۲۹۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۶۶/۱۵).

نگاه اهل بیت علیهم‌السلام به نیروی کار جامعه، از سویی انسانی، تمدنی و فرامذهبی است که هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد؛ و از سوی دیگر، ارزش کار نیروی کار فراتر از اجرت مندرج در قرارداد میان وی و کارفرماست؛ زیرا از منافع کار کارگر، همه جامعه به‌طور غیرمستقیم برخوردار می‌شوند. براین اساس، اهل بیت علیهم‌السلام عموم مسلمانان و دولت اسلامی را در تأمین آینده و دوران از کارافتادگی کارگران، مسئول و تأمین معیشت کارگران از کارافتاده را از محل بیت‌المال مسلمانان لازم می‌دانند.

۵. مؤلفه‌های مشترک در تولید و مصرف

۵-۱. برنامه‌ریزی و آینده‌نگری

یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصادی در زمینه تولید و مصرف، آینده‌نگری و پیش‌بینی شرایطی است که جامعه با آن مواجه خواهد شد. چنانچه از قبل برای این شرایط و مقتضیات آن برنامه‌ریزی و تدارک دیده نشده باشد، جامعه دچار بحران و تنش شدید شده و ناچار به پرداخت هزینه‌های سنگین و چند برابری خواهد شد که با دستاورد کم‌تری همراه است.



اهمیت آینده‌نگری و برنامه‌ریزی، علاوه بر عرصه تولید و مصرف، در همه ابعاد حیات انسان مطرح است، اما در مقاله حاضر، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی در حوزه اقتصادی به‌ویژه در تولید و مصرف مورد توجه است. برای مثال، اگر افزایش جمعیت و نیاز چند برابری به تولید غذا، مسکن و دیگر نیازمندی‌های خانوارها، و همچنین افزایش ترافیک طی دهه‌های آینده پیش‌بینی نشود، مدیران جامعه قادر به پاسخگویی به انبوه تقاضاها نخواهند بود. بنابراین، مدیریت بهینه جامعه مقتضی نگاه عمیق و جامع به افق‌های آینده در ابعاد مختلف حیات اجتماعی است.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «أمارات الدول انشاء الحیل؛ نشانه‌های استحکام دولت‌ها، برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور است» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۸؛ محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۵۵۱/۲). ایشان همچنین فرمود: «التدبیر قبل العمل يؤمنک من الندم؛ آینده‌نگری قبل از شروع کار تو را از پشیمانی ایمن می‌سازد» (مجلسی، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۳۳۸/۶۸) و «من قعد عن حیلة اقامته الشدائد؛ کسی که چاره‌اندیشی را رها کند، با شداید درگیر خواهد شد» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۵۵۱/۲).

از فوائد دیگر برنامه‌ریزی، استفاده صحیح از امکانات است: «التلطف فی الحیلة اجدی من الوسيلة؛ ظرافت و دقت در برنامه‌ریزی، بهتر از امکانات است» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۵۵۱/۲). امام حسن (علیه السلام) نیز در موعظه‌ای ارزشمند می‌فرماید: «در ارتباط با امور دنیایت چنان کار و برنامه‌ریزی کن که گویا تا ابد زنده هستی و درباره آخرت نیز چنان کار کن که گویا فردا خواهی مرد» (صدوق، ۱۳۶۴، ۱۵۶/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۳۸/۴۴ - ۱۳۹). این سخن، ضرورت آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای شرایط قابل پیش‌بینی را به‌طور بسیار واضح بیان می‌کند.

۵-۲. منع تولید و مصرف کالاها و خدمات مضر و حرام

در اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، محدودیت‌هایی در تولید، مصرف کالاها و خدمات اعمال می‌شود (قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۶۷/۴؛ انصاری، ۱۴۱۱ هـ.ق). همچنین، تأکید ویژه‌ای بر حفظ منابع طبیعی، محیط زیست و ایجاد عمران و آبادانی شده است. تجدیدنپذیر بودن منابع طبیعی موجب تأکید فرامین اسلامی بر مصرف بهینه و جلوگیری از تباه‌سازی این منابع است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «تحفظوا من الأرض فإنها أمکم؛ از زمین محافظت کنید؛ چراکه زمین

منشأ و اصل شما است» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۹۷/۷).

معیار حلیت و حرمت در تجارت این است که هر کالایی که نیاز عموم مردم بوده و مصلحت جامعه در خرید و فروش آن است، تجارت آن حلال می باشد و هر معامله ای که موجب فساد و آسیب به جامعه اسلامی شود (مانند معاملات ربوی، خرید و فروش کالاهای نامشروع، فروختن سلاح به دشمنان اسلام و معاملات فریب آمیز یا جاسوسی) حرام است. در صنایع و حرفه ها نیز معیار، مصلحت جامعه اسلامی است؛ هر حرفه ای که موجب تقویت جامعه اسلامی و رشد مسلمانان شود، مجاز است و هر حرفه ای که موجب فساد یا تضعیف جامعه باشد (مانند شراب سازی، جادوگری، صنایعی که فساد و فحشا ترویج کنند، یا وسایلی که اعتقادات مسلمانان را تضعیف کنند) ممنوع است.

در مورد کارمندان، درآمد و اجاره ها نیز اصل رعایت صلاح و جلوگیری از فساد جامعه حاکم است. کارمندان تحت نظر حاکم عادل و امامان معصوم علیهم السلام درآمدشان حلال است و در غیر این صورت، درآمدشان حرام خواهد بود، مگر در مواردی که برای مصالح مسلمانان وارد دستگاه حکومتی شده باشند.

۶. مهم ترین اصول مصرف از منظر اهل بیت علیهم السلام

از دیدگاه اسلام و اهل بیت علیهم السلام، نیازهای واقعی مادی انسان (نه نیازهای کاذب و زیاده خواهانه)، باید در حد متعارف تأمین شود و مصرف بیهوده، کاذب و غیرضروری به هیچ وجه تأیید نمی شود (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲).

۶-۱. اعتدال و میانه روی در مصرف

مصرف طیبات و آنچه حلال شمرده شده، نامحدود نیست و اصل اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط باید رعایت شود. خروج از این اصل، پیروی از شیطان معرفی شده است: «.... ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید» (بقره: ۶۰). امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، می فرماید: «هرگاه خداوند بخواهد به بنده ای خیری برساند، میانه روی و تدبیر نیکو را به او می آموزد و او را از بی تدبیری و اسراف دور می کند» (دستی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱؛ حاجی صادقی، ۱۳۸۸، ۵۶-۵۷) و خداوند میانه روی را دوست دارد و اسراف را دشمن می دارد (صابری یزدی، ۱۳۷۲، ص ۶۴۹ و ۷۴۸). همچنین در لسان اهل بیت علیهم السلام، نتیجه رعایت نکردن اعتدال

در مصرف گرفتار شدن به فقر و سختی شمرده شده است (حر عاملی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۶؛ صابری یزدی، ص ۶۶). رسول خدا ﷺ که خود هیچ‌گاه پرخوری نمی‌کرد، تأثیر دو گونه غذا خوردن را چنین بیان می‌فرماید: «من قل طعامه صح بدنه و صفا قلبه و من کثر طعامه سقم بدنه و قسا قلبه؛ کسی که خوراکش کم باشد، بدنش سالم و دلش پاک است و آنکه پرخورد، بدنش بیمار و دلش سنگدل می‌شود» (قمی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱/۶۹).

۶-۲. ضرورت اجتناب از اسراف

هر اندازه در تولید کالایی فراوان باشد، اگر جامعه از کالای تولیدشده به‌طور صحیح و در حد رفع نیاز استفاده نکند، دیر یا زود دچار کمبود و فقر خواهد شد؛ زیرا کالای تولیدشده هر چند فراوان باشد، کمیتی محدود دارد و روزی پایان می‌یابد. بنابراین، هر جامعه و تمدنی برای تضمین خودکفایی خود در هر کالایی که تولید می‌کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه مصرف خود را منضبط کند، به‌گونه‌ای که افراد جامعه از زیاده‌روی و اسراف (راغب، بی‌تا: ۲۳۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ۲/۷۳) و نیز تبذیر که مصرف کالا در موارد غیرضروری است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ۲/۳۷) خودداری کنند. قرآن کریم کسانی را که اموال را تبذیر می‌کنند، برادران شیطان می‌شمارد (ر.ک.، اسراء: ۲۷) و در جای دیگر، هنگام بیان اوصاف بندگان خداوند رحمان، یکی از ویژگی‌های آنان را عدم اسراف حتی در انفاق معرفی می‌کند (ر.ک.، فرقان: ۶۷). قرآن کریم حتی پیامبر ﷺ را مکلف می‌کند که در انفاق به دیگران زیاده‌روی (اسراف) نکند و میانه‌روی پیشه سازد (ر.ک.، اسراء: ۲۷).

هشدارهای فراگیر قرآن درباره اسراف و تبذیر مالی، حتی در انفاق، نشانه نقش ویرانگر این رفتار در هر جامعه و تمدن است. قرآن می‌فرماید: «شیطان شما را [به هنگام انفاق مال باارزش] از تهی دستی و فقر می‌ترساند و شما را به کار زشت [مثل بخل و خودداری از زکات و صدقات] امر می‌کند» (بقره: ۲۶۷) و همچنین تبذیرکنندگان را برادران شیطان معرفی می‌کند (اسراء: ۲۷). این دو بیان، الهام‌بخش این معناست که اسراف‌کاران و تبذیرکنندگان، شیطان را در رسیدن به هدفش که ایجاد فقر در جامعه است، یاری می‌کنند و فقر پیامد قطعی اسراف است.

روایات اهل بیت (ع) نیز درباره مبارزه با اسراف و تبذیر بسیار فراوان است. پیامبر اکرم ﷺ کسانی را که خداوند به ایشان روزی فراوان داده است، ولی در مصرف و انفاق اموال زیاده‌روی

کرده و به دلیل آن دچار فقر شده‌اند، معرفی کرده و فرموده است که دعای آنان مستجاب نمی‌شود تا در مصرف خود میانه‌روی پیشه کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ۶۷/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۶/۱۷).

براساس رهنمودهای اهل بیت علیهم‌السلام، دایره مصادیق اسراف بسیار وسیع است و حتی شامل زیاده‌روی در کارهای خیر نیز می‌شود. امام عسکری علیه‌السلام می‌فرماید: «برای سخاوت قدر و اندازه‌ای است؛ پس اگر جود و بخشش از اندازه‌اش بگذرد، اسراف است» (دیلمی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۳۱۳). آن حضرت همچنین به محمد بن حمزه، که دچار فقر شده بود، فرمود: «بر تو باد به میانه‌روی و پرهیز از اسراف که آن عملی شیطانی است» (اربلی، ۱۳۸۱ هـ.ق، ۴۲۴/۲). امام علی علیه‌السلام نیز هشدار می‌دهد: «آگاه باشید! بخشیدن مال به کسی که حق او نباشد، خود گونه‌ای تبذیر و اسراف است که بخشنده را در این جهان برمی‌افرازد و در آن دنیا پست می‌سازد... و خداوند از سپاسگزاری آنها محرومش گرداند» (سید رضی، ۱۳۶۹، خطبه ۱۱۲۶). از نظر مصداقی، امام صادق علیه‌السلام دورانداختن هسته خرما (ر.ک.، عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۸۸/۲ - ۲۸۹) و دورریختن آب ته ظرف آب خوری (ر.ک.، صدوق، ۱۳۶۴، ص ۱۸۶؛ صدوق، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۰/۱ - ۱۱) را مصداق تبذیر و اسراف برشمرده‌اند. همچنین امام علی علیه‌السلام، خرید کالایی که در شأن انسان نیست، پوشیدن لباسی نامناسب و خوردن غذایی نامتناسب با شأن انسان را از خصلت‌های اسراف‌کار می‌دانند (صدوق، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۹۴/۱).

چنانچه این مؤلفه راهبردی اقتصادی در جامعه اسلامی نهادینه شود و به فرهنگ تبدیل شود، بسیاری از کمبودها و تنگناها برطرف خواهد شد. جالب این است که ملت‌هایی که چنین آموزه‌های دینی ندارند، اما از باب تبعیت از عقل معاش، صرفه‌جویانه زندگی می‌کنند، زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی خود را فراهم می‌آورند.

۶-۳. انفاق، نوع دوستی و هماهنگی با وضعیت عمومی

انسان مؤمن موظف است علاوه بر تأمین نیازهای خود و خانواده، بخشی از اموال خود را در راه خدا انفاق کند، نسبت به واجبات مالی مانند خمس و زکات اهتمام داشته باشد و دارایی خود را به نفع عموم مسلمانان به گردش درآورد. در سبک زندگی دینی، مصرف مال برای دیگران لذتی دارد که از لذت مصرف آن برای خود بیشتر است و این نوع مصرف با عنوان انفاق شناخته می‌شود. مؤمنان علاوه بر انفاق برای دیگران، موظف به گشاده‌دستی معتدل برای خانواده و نزدیکان نیز هستند. در جامعه اسلامی، پیروی

از سبک زندگی مؤمنانه با تأکید بر نوع دوستی و خیرخواهی برای تمام مردم، به ویژه مسلمانان توصیه شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مؤمن نیست کسی که سیر باشد و برادرش گرسنه، و مؤمن نیست کسی که پوشیده باشد و برادرش عریان» (حکیمی و حکیمی، ۱۳۸۶، ۱۱۴/۵). خداوند بحث انفاق و احسان به دیگران را در غیر اعمال عبادی مانند خمس و زکات بیان کرده است و در توصیف مؤمنان می فرماید: «و کسانی که در اموالشان حق معینی برای مسکینان و محرومان قرار می دهند» (معارف: ۲۴-۲۵). مال و ثروت، مایه قوام جامعه است و تبادل کالا و خدمات از طریق آن انجام می گیرد و نباید آن را انباشت و راکد نگه داشت. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «این اموال زیاد را خداوند به شما داده است تا در راهی که او خواسته به کار برید و نداده است که آن را انباشته کنید» (کلینی، ۱۳۶۵، ۳۲/۴).

۶-۴. پس انداز کردن

آینده نگری ایجاب می کند که انسان همه درآمد خود را یک جا مصرف نکند، بلکه آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر، بخشی از درآمد خود را پس انداز کند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قُوَّتَهَا اسْتَقَرَّتْ؛ آدمی، هرگاه وسایل زندگی اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می یابد» (کلینی، ۱۳۶۵، ۸۹/۵، ح ۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۶۶/۳، ح ۳۶۱۹). همچنین آن حضرت در پاسخ به گروهی از صوفیان که زهد اسلامی را تحریف کرده بودند، به پس انداز سلمان برای زندگی سالانه خود اشاره کرده و او را نمونه ای از زاهدانی معرفی می کند که الگوی مصرف اسلامی را رعایت می کنند (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۵، ۶۸/۵، ح ۱). بدیهی است که آینده نگری و پس انداز کردن در سطح کلان، برای تأمین نیازهای جامعه، اهمیت دوچندانی دارد و قابل مقایسه با آینده نگری فردی نیست. نمونه قرآنی آن، آینده نگری حضرت یوسف (علیه السلام) در ذخیره کردن گندم برای تأمین نیازهای آتی مردم است.

۷. نتیجه گیری

شیوه مواجهه اهل بیت (علیهم السلام) با امور اقتصادی اعم از کسب درآمد، کار و اشتغال، نحوه مصرف و تدبیرهای گوناگون ایشان در این حوزه، جایگاه این امور را در منظومه تمدن اسلامی نشان می دهد. برای دستیابی به الگوی اسلامی تمدن، یکی از مهم ترین رویکردها

استخراج آیات، روایات، دستورالعمل‌ها و فرمایشات معصومین علیهم‌السلام است که برای همه انسان‌های تاریخ بهترین نسخه زندگی به شمار می‌آید. با توجه به کاوش‌های انجام شده در این پژوهش که مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی اهل بیت علیهم‌السلام را اصولی جهانی و جاودانه برای تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کند، یافته‌های زیر حاصل شد:

- مؤلفه‌های اقتصادی در عرصه تولید عبارتند از: اهمیت معیشت و اقتصاد از منظر اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام؛ جایگاه جهادی کار و اشتغال؛ ضرورت تأمین معیشت کارگر در دوران از کارافتادگی؛ ضرورت تقسیم کار و تعیین وظایف؛ اهمیت خودکفایی و تولید نیازمندی‌های مردم؛ اهمیت ویژه به کشاورزی؛ اهتمام به حقوق کارگر و ضرورت بهره‌گیری از تمام فرصت‌های کاری.

- مؤلفه‌های اقتصادی در عرصه مصرف عبارتند از: میانه‌روی در مصرف؛ پرهیز از اسراف؛ انفاق، نوع دوستی و اهمیت پس انداز کردن.

• مؤلفه‌های اقتصادی مشترک در تولید و مصرف عبارتند از: ضرورت آینده‌نگری در برنامه‌ریزی؛ و ضرورت اجتناب از تولید و مصرف کالاهای مضر و حرام.

پیشنهاد می‌شود خطوط کلی حاکم بر امور اقتصادی و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام در پژوهش‌های دیگر بررسی و بازخوانی شود تا الگوی تمدنی اسلامی به صورت علمی و کاربردی تبیین گردد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۵۴). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: انتشارات صالحی.
- * نهج‌البلاغه (۱۳۶۹). سید رضی. محقق و مترجم: دشتی، محمد، و محمدی، سید کاظم. قم: نشر امام علی علیه‌السلام.
- ۱. ابن ابی جمهور، ابو جعفر محمد بن علی بن ابراهیم أحسائی (۱۴۰۵ هـ.ق). عوالی‌الآلی. قم: انتشارات سیدالشهداء علیهم‌السلام.
- ۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴ هـ.ق). شرح نهج‌البلاغه. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- ۳. ابن اثیر جزری، عز الدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۱۲ هـ.ق). اسد‌الغابه فی معرفه‌الصحابه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۳ هـ.ق). لسان‌العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۵. إربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ هـ.ق). کشف‌الغمه. تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
- ۶. آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۷. انصاری، شیخ مرتضی بن محمد امین تستری نجفی (۱۴۱۱ هـ.ق). المکاسب‌المحرمة. قم: منشورات دارالذخائر چاپخانه خیام.
- ۸. ایروانی، جواد (۱۳۸۴). مصرف صحیح از نگاه اسلام. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- ۹. بحرانی، یحیی بن حسین (۱۳۸۸). اشهاب فی‌الحکم والآداب. محقق: زبری قاینی، محمد حسن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۰. بینش، عبدالحسین (۱۳۸۸). *آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی*. قم: زمزم هدایت.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا). *سنن ترمذی (جامع الصحیح)*. محقق: احمد محمد شاکر و کمال یوسف الحوت. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۸). *اسلام و محیط زیست*. قم: اسرا.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۴. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲). *ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی*. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای.
۱۵. خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷). *بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران*. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای.
۱۶. داعی الاسلام، سید محمد (بی تا). *فرهنگ نظام*. بی جا. بی نا.
۱۷. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۰۸ ه.ق). *أعلام الدین*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۸. راغب اصفهانی (بی تا). *مفردات الفاظ القرآن*. محقق: ندیم مرعشی. قم: دارالکتاب العربی.
۱۹. رجایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۴). *درآمدی بر شاخص های اقتصادی الگوی اسلامی-ایرانی*. قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی (علیه السلام).
۲۰. سالواتوره، دومینگو، و دیولیو، یوجین (۱۳۹۹). *اصول علم اقتصاد*. مترجم: ضیایی بیگدلی، محمد، و مهدی پور، علی. تهران: کوهسار.
۲۱. شعیری، تاج الدین محمد بن محمد بن حیدر (۱۳۶۳). *جامع الاخبار*. قم: انتشارات رضی.
۲۲. صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۳). *اقتصاد ما*. مترجم: سید محمد مهدی برهانی بروجردی، قم: دارالصدر.
۲۳. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۰۳). *معانی الاخبار*. محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۴). *ثواب الاعمال*. قم: انتشارات شریف رضی.
۲۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ ه.ق). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ه.ق). *من لایحضره الفقیه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۹۵). *مجمع البحرين*. محقق: حسینی، سید احمد. ری: مکتبه المرتضویه.
۲۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵). *التهذیب*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. عمید، حسن (۱۳۶۳). *لغت نامه فارسی*. تهران: امیر کبیر.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر عیاشی*. تهران: چاپخانه علمیه.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ه.ق). *کتاب العین*. محقق: بکایی، محمد حسن. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۲. قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ ه.ق). *سفینه البحار*. قم: اسوه.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مجلسی (۱۴۰۴ ه.ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۷ ه.ق). *میزان الحکمه*. قم: پژوهشکده علوم و معارف حدیث.
۳۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ه.ق). *الامالی*. قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۳). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. منسوب به علی بن موسی، امام هشتم (علیه السلام) (۱۴۰۶ ه.ق). *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (علیه السلام)*. محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام). مشهد: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۳۹. نخعی اغمیونی، منیژه، و نجارزاده، رضا (۱۳۸۲). *واژه های کلیدی اقتصاد خرد و کلان*. تهران: شرکت نشر و چاپ بازگانی وابسته به مطالعات و پژوهش های بازگانی.
۴۰. نوری، حسین (۱۳۵۸ ه.ق). *مستدرک الوسائل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.